

اعلامیہ مطبوعاتی

کشمیر در آتش می سوزد؛ سرکوب وحشیانه غیرنظامیان بی گناه، ناکامی دولت قومی و نظام سرمایه داری سکولار را برملا می سازد؛ تنها خلافت است که می تواند امت را بر بنیاد عقیده اسلامی متحد سازد
(ترجمه)

در ۲۷ جولای ۲۰۲۶، نیروهای دولتی، از جمله رینجرها، گارد فدرال و پولیس، بر معترضان بی سلاح کشمیری آتش گشودند. این معترضان پس از ناکامی مذاکراتی که در پی تحصن پنج روزه در راولا کوت انجام شده بود، راهپیمایی طولانی خود را به سوی مظفرآباد آغاز کرده بودند. در نتیجه این تیراندازی، ده ها تن از معترضان جان باختند.

حکام به جای آن که اعتراضات مردمی را از راه های سیاسی حل و فصل کنند، سیاست «دولت سخت» را در پیش گرفتند و به استفاده افراطی از زور روی آوردند. آنان هم زمان اینترنت را قطع کردند و با ایجاد محاصره عمدی بر کالاهای اساسی، سوخت و گاز، تلاش نمودند مردم را به گونه جمعی مجازات کنند. دولت و دستگاه رسانه ای آن، تلفات غیرنظامیان را به طور کامل سانسور کردند؛ در حالی که حکومت کارزار رسانه ای گسترده ای را علیه معترضان به راه انداخت. این اقدامات، شکاف خطرناکی را میان مسلمانان کشمیر و نیروهای مسلح عمیق تر ساخته و قدرت دولت را تضعیف می کند.

این بحران امنیتی و سیاسی در حقیقت، نتیجه یک نظام غیرطبیعی سرمایه داری سکولار است. قوم گرایی مبتنی بر هویت منطقه ای و هویتی که بر مرزهای یک دولت ساختگی بنا شده باشد، توانایی آن را ندارند که اقوام و گروه های گوناگون منطقه ای را به گونه حقیقی متحد سازند.

حکام با مجازات جمعی مسلمانان کشمیر از طریق محاصره و گلوله، ثابت کردند که مردم هیچ جایگاهی در محاسبات آنان ندارند. این وضعیت، دلیل آشکاری بر ورشکستگی فکری دولت و ناکامی نظامی است که زیر شعار «دولت سخت»، حاکمیت خود را با زور تحمیل می کند.

در بحبوحه این بحران ادامه دار و با افزایش خشم عمومی، ضروری است احکام شرعی مرتبط و نظام بدیلی که اسلام به امت عرضه می کند، روشن ساخته شود:

۱. بناکردن هویت بر مرزهای استعماری، مفهومی کفری است. اسلام تمام اشکال عصبیت، از جمله قوم گرایی، نژادگرایی و قبیله گرایی را به شدت حرام کرده است؛ زیرا این عصبیت ها وحدت امت اسلامی را از هم می گسلند.

نمی توان با یک قوم گرایی منطقه ای، در برابر قوم گرایی منطقه ای دیگری ایستاد؛ زیرا هر دو بر یک بنیاد باطل استوار اند و هر دو در اسلام حرام می باشند. برنامه ما نباید ایجاد دولت قومی باشد؛ بلکه باید اسلام باشد، اسلامی که مرزهای ساختگی را از میان برمی دارد و تمام مسلمانان را زیر یک پرچم متحد می سازد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مَنْ قَاتَلَ تَحْتَ زَايَةٍ عُُمَيَّةٍ يَغْضَبُ لِعَصْبِيَّةٍ أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبِيَّةٍ أَوْ يَنْصُرُ عَصْبِيَّةً فَقَتِلَ فَحِلَّةٌ جَاهِلِيَّةٌ» (صحیح مسلم)

ترجمه: هرکس زیر پرچمی کور بجنگد، به خاطر عصبیت خشم گیرد، به عصبیت دعوت کند یا عصبیت را یاری رساند و کشته شود، مرگ او مرگ جاهلیت است.

الله سبحانه و تعالی نیز بنیاد وحدت مسلمانان را در قرآن کریم چنین بیان می فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾

ترجمه: این امت شما، امت یگانه ای است و من پروردگار شما هستم؛ پس تنها مرا عبادت کنید.

۲. این بحران تنها نتیجه ناکامی چند سیاست مدار یا فرمانده نظامی نیست؛ بلکه نتیجه ناکامی بنیادی خود نظام دموکراتیک سکولار است.

از بلوچستان تا پنجاب، این دولت تلاش می کند با اقدامات فراقضایی در مناطق مختلف، نظام حکومتی غیرطبیعی ای را حفظ کند که امت پیش از این آن را رد کرده است. ریشه اصلی این سرکوب، اصل دموکراسی در سپردن حاکمیت قانون گذاری به بشر است.

به همین دلیل، رهبری سیاسی و نظامی می کوشد از طریق تقلب انتخاباتی و شیوه های دیگر، بر مجالس قانون گذاری تسلط یابد تا قوانین را مطابق خواسته ها و منافع خود تصویب کند. در حالی که در اسلام، حاکمیت تنها از آن الله سبحانه و تعالی است و قانون گذاری بشری حرام می باشد.

دموکراسی به یک طبقه فاسد اجازه می دهد مطابق خواهش های خود قانون وضع کند و فساد را زیر پوشش قانون مشروعیت بخشد. از این رو، هدف مبارزه ما نباید تنها اصلاحات قانون اساسی یا جایگزینی چند فرد باشد؛ بلکه باید برچیدن کامل نظام دموکراتیک سرمایه داری باشد.

۳. برای پایان دادن به این نظام فاسد، امت باید مبارزه خود را مطابق سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بنا کند؛ همان سیرتی که بر اساس آن، نخستین دولت اسلامی در مدینه تأسیس شد.

تلاش برای اصلاح نظام از درون یا روی آوردن به خشونت های پراکنده، تنها رنج مردم را افزایش داده و طبقه حاکم را نیرومندتر می سازد. روش نبوی برای تغییر نظام، از مراحل روشن فکری و سیاسی تشکیل شده است: ایجاد یک تنظیم منظم، شکل دادن افکار عمومی از طریق مبارزه فکری و کشمکش سیاسی، و طلب نصرت از اهل قدرت و توانایی.

مهم تر از همه این که رسول الله صلی الله علیه وسلم هیچ گاه یک نظام فاسد را مشروعیت نبخشید و اصحاب رضی الله عنهم را نیز به حمل سلاح علیه طبقه حاکم فرمان نداد.

۴. در سراسر سرزمین های اسلامی، حکام از اراده رهبری واقعی ناتوان مانده اند؛ زیرا با قوانین سکولار حکومت می کنند و در خدمت سلطه غرب قرار دارند.

اسلام بر هر مسلمان فرض ساخته است که برای برپایی خلافت، مبارزه سیاسی کند؛ خلافتی که امت را در یک ساختار سیاسی واحد متحد ساخته و از منافع آن پاسداری می کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم نقش خلیفه را چنین بیان فرموده است:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقِي بِهِ» (صحیح مسلم)

ترجمه: امام سپری است که در پشت سر او جنگ می شود و به وسیله او از امت پاسداری می گردد.

پیام حزب التحریر-ولایه پاکستان به مسلمانان کشمیر، پاکستان و سایر امت اسلامی چنین است:

الف) خطاب به آگاهان و شخصیت های اثرگذار: این نظام ساختگی دموکراتیک سرمایه داری را رد کنید، حکام فاسد را مورد محاسبه قرار دهید، برنامه «دولت سخت» آنان را افشا کنید و حزب التحریر را در مبارزه فکری و کشمکش سیاسی اش برای برپایی خلافت یاری رسانید.

ب) خطاب به اهل قدرت و توانایی: افسران مخلص در نیروهای مسلح باید از اطاعت حکامی خودداری کنند که سلاح را علیه مردم خود به کار می برند. وظیفه شرعی تان را ادا کنید و برای برپایی خلافت راشده، به حزب التحریر نصرت دهید.

تنها خلافت است که می تواند امت را از پرتگاه تفرقه و ذلت نجات دهد و بار دیگر آن را زیر حاکمیت یک دولت و یک خلیفه متحد سازد.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه پاکستان